

مطبوعات محلی و تیم شهرداری

با پایان یافتن لیگ دسته اول باشگاههای کشور و سقوط تیم شهرداری، مرحله تازه ای از انتقادهای، اظهار نظرها، اتهام زدن ها و تفسیر به رای ها آغاز شد. در میان همه هیاهوی ایجاد شده به یک موضوع کمتر و یا در واقع می توان گفت که اصلا پرداخته نشد و آن نقش رسانه ها در حمایت از تیم و سهم آن ها در سقوط و عدم نتیجه گیری فوتبال و تیم شهرداری بود.

برای اینکه یک تیم بتواند در جریان یک فصل رقابت، نتایج مطلوبی به دست آورد عوامل و مولفه های مختلفی می توانند تاثیر گذار باشند که در میان آنها پنج عامل مهم تر از بقیه عوامل است . 1- مدیریت باشگاه 2- کادر فنی اعم از سرمربی، مربیان و دستیاران 3- بازیکنان اعم از بازیکنان اصلی یا نیمکت نشین 4- تماشاگران، هواداران و حامیان 5- رسانه ها اعم از مکتوب، صوتی و یا تصویری.

پس رسانه یکی از پنج رکن حضور قابل قبول یک تیم در جریان یک فصل رقابت ها به حساب می آید. وقتی چنین جایگاه و میزان تاثیر گذاری برای رسانه ها در نظر گرفته می شود مسئولیت و رسالت آنها در عرصه ورزش و بخصوص فوتبال دوچندان می شود.

برای اینکه بتوان در ارتباط با نقش رسانه ها در وضعیت تیم شهرداری و تاثیر آنها بر روند نتیجه گیری تیم اظهار نظر نمود لازم است ابعاد گوناگون کارکرد رسانه ها در مورد تیم فوتبال شهرداری مورد بررسی قرار گیرد.

در ارتباط با چگونگی عملکرد رسانه ها و مطبوعات ورزشی در قبال تیم های حاضر در لیگ چند وظیفه و رسالت مطرح است که از آن جمله می توان به اطلاع رسانی و تبیین و نظارت بر کارکرد تیم اشاره کرد. اگر بخواهیم کارکرد رسانه های استان در جریان رقابت های لیگ یک را مورد ارزیابی و کنکاش قرار بدهیم کارنامه مطبوعات و بخصوص مطبوعات ورزشی در موارد مذکور باید مورد بازبینی و آسیب شناسی قرار گیرد تا تصویری روشن و شفاف ارائه شود.

باید مشخص گردد رسانه های استان در دو بخش اطلاع رسانی و تبیین تا چه حد انجام وظیفه نموده و چگونه تاثیر گذار بوده اند.

به نظر می رسد رسانه های استان در بخش اطلاع رسانی و انعکاس اخبار

مربوط به برگزاری رقابت های خانگی و یا خارج از خانه در حد توان به خوبی عمل کرده اند و در این میان خبرگزاری های فعال و صدا و سیما به موقع و در کمترین زمان ممکن نسبت به این کار اقدام نموده اند. نشریات محلی که خوشبختانه تعداد آنها هر روز در حال افزایش می باشد به جز یکی دو نشریه به طور جدی به انعکاس اخبار تیم نپرداختند و اگر فعالیت های تیم شهرداری در این نشریات نیز انعکاسی داشته است مطلب تازه ای نبوده بلکه عین خبر خبرگزاری ها بوده و بحث تازه ای به مخاطب ارائه نشده است.

و اما در بحث تبیین و نظارت، رسانه های استان و بخصوص مطبوعات کارنامه ای چندان مطلوب و قابل قبول در مجموع نداشته اند. در این زمینه مطبوعات ورزشی استان می توانستند با توجه به تخصصی بودن نشریات با ارائه طریق و راهکار و با طرح مسائل فنی مورد نیاز و با استفاده از نظر کارشناسان و اهالی فن و بیان به موقع واقعیت ها، کمبودها، کاستی ها، ضعف ها و نقاط قوت و مثبت به عنوان یار دوازدهم تیم عمل کنند. آیا چنین کاری در طول فصل دیده شد؟ آیا مطبوعات محلی و بخصوص نشریات ورزشی توانستند این وظیفه را بخوبی انجام داده و به پایان برسانند؟ آیا توانستند با تحلیل تیم های رقیب و شرایط حاکم بر ورزشگاهها و ویژگی های تماشاگران تیم ها به موقع اطلاعات کافی در اختیار دست اندرکاران تیم و هوادارن و تماشاگران قرار بدهند؟ و آیا در طول فصل صفحات کافی برای انعکاس اخبار و گزارشات مربوط به تیم اختصاص دادند و برای رسیدن به هدف تیم را حمایت و پشتیبانی کردند؟ آیا مطبوعات برای اینکه در ارتباط با ورزش و بخصوص فوتبال حرفی برای گفتن داشته باشند از افراد خبره و فنی برای تهیه مطالب استفاده کردند و یا برای خالی نبودن عریضه و ای بسا برای پر کردن صفحات از مطالب تهیه شده توسط دیگران استفاده نمودند؟ چند درصد از مطبوعات استان به صورت تخصصی به فوتبال و تیم شهرداری در طول فصل پرداخته و به دقت روند تیم در رقابت ها را پیگیری نمودند؟ آیا مطبوعات محلی به رسالت خود در قبال فوتبال و تیم شهرداری عمل کردند؟

برخی از دوستان و همکاران در مواقعی که تیم نیاز به حمایت داشت حرفی نزدند و اقدامی نکردند و تا تیم سقوط کرد و مسافر دسته دوم شناخته شد همه دایه مهربانتر از مادر شدند و لب به سخن گشودند و مصاحبه ها کردند و مطالب نوشتند و زمین و زمان را مقصر قلمداد کرده و خود را حامی، پشتیبان، هوادار، مفسر و کارشناس فوتبال جا زدند و گفتند و نوشتند هرآنچه که می خواستند و دوست می داشتند.

آیا جای سوال ندارد که چرا در طول یک فصل رقابت سنگین و نفس گیر و فراز و نشیبی که شهرداری با آن مواجه بود به طور جدی در قضا یا وارد نمی شدیم و خیلی بی تفاوت از کنار آن ها عبور می کردیم و حتی در امر اطلاع رسانی به اندازه چاپ یک خبر معمولی نیز رضایت نمی دادیم با سقوط تیم تغییر موضع داده و پرداختن به امور تیم و کوبیدن این و آن را در دستور کار قرار داده و طلبکار تر از صاحبان اصلی فوتبال وارد صحنه بشویم و به مسائل حاشیه ای دامن بزنیم و خود را منجی و نجات دهنده فوتبال قلمداد نمائیم.

رسانه ها و مطبوعات محلی به نظر می رسد در فصل گذشته نمره قبولی در ارتباط با پرداختن به فوتبال و تیم شهرداری دریافت نکرده اند . اگر بعد از سقوط، همه صفحات نشریات محلی و بخصوص نشریات ورزشی به تیم اختصاص داده شود و از زمین وزمان از مدیریت گرفته تا بازیکن ذخیره و امید انتقاد گردد و همه از دم تیغ گذرانده شود، دردی از دردهای تیم دوا نمی شود. اگر به درستی طرفدار فوتبال و تیم شهرداری بودیم باید در موقع نیاز در کنار تیم قرار می گرفتیم و با آگاهی یافتن به تمامی جریانات ، به موقع و به درستی انتقاد کرده و در جای خود نیز تعریف و تمجید می نمودیم . مطمئن باشیم که هیاهوی ایجاد شده بعد از سقوط، به جز دامن زدن به حاشیه ها نمی تواند تاثیری در روند فوتبال داشته و کمکی برای تیم شهرداری باشد.